

پرسش‌های حسابداران رسمی در برابر مصوبه‌ی هیئت دولت

مصوبه‌ی هیئت دولت مبنی بر اصلاح تبصره ۳ بند «ز» آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان، از هنگام اعلام عمومی، حسابداران رسمی کشور را در برابر پرسش‌هایی قرار داد. سایه‌ی مصوبه اخیر هیات دولت، بر نشست‌های ماهانه‌ی آنان سنگینی می‌کند.

این پرسش‌ها واکنش‌های طبیعی حسابداران رسمی است.

پیچ‌پیچ‌ها می‌پیچد، طنین می‌اندازد و تمام سالن بزرگ به رنگ این پیچ‌پیچ‌ها درمی‌آید. حتی وقتی، مدیر جلسه، از استراتژی مدون جدید سخن می‌گوید، طنین آرام این نجواها را می‌شنوی. کسی می‌گوید: چه می‌شود؟ متن کامل گفته‌ها و شنیده‌های نشست‌های سه شنبه دوم آذرماه و هفتم دی‌ماه را باهم می‌خوانیم:

سه گروه آدمی در جهان است: آنان که رخدادها را می‌سازند آنان که رخدادها را نظاره می‌کنند و آنان که می‌پرسند: «چه رخ داد؟»

به امید آن‌که در آینده‌ی نزدیک شاهد آن باشیم که هیچ‌یک از اعضای جامعه جزو گروه سوم از دسته بندی فوق نباشند و عده‌ی بسیار کمی هم در گروه دوم قرار بگیرند.

وی تصریح کرد: جلسه‌ی انتخابات اخیر شورای عالی و رسمیت یافتن

«هویت اجتماعی»، «سرمایه‌ی اجتماعی» و «کنش اجتماعی» اختصاص دارد. دلیل اصلی انتخاب این موضوعات، شواهدی است که به نظر می‌رسد تهدیدکننده‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی، به عنوان یک تشکل است و بی‌توجهی به آن‌ها همان‌گونه که تاکنون شاهد بوده‌ایم زمینه‌ساز کاهش سطح اعتماد بین اعضا و در نتیجه تضعیف جامعه خواهد شد. قبل از ورود به بحث اجازه می‌خواهم سخنی از جان پترز (Peters John) را با هم مرور کنیم:

سه‌شنبه دوم آذرماه «هویت اجتماعی»، «سرمایه‌ی اجتماعی»، «کنش اجتماعی» نشست آذرماه اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی با حضور بیش از ۸۰ نفر از اعضا به میزبانی موسسه حسابرسی شهود امین در روز ۲ آذرماه برگزار شد. این نشست را حسن حاجیان اداره کرد. وی جلسه را با بیان این سخنان آغاز کرد: موضوع این جلسه، همان‌گونه که در دعوت‌نامه به اطلاع رسید به مباحثی پیرامون

شکندندی آن، آنهم با ترفندهای گوناگون در ترغیب حضور اعضا و نیز مفاد مصوبه‌ی اخیر هیات محترم وزیران در رابطه با تسهیلات فراهم شده برای عضویت مدیران دولتی در جامعه‌ی حسابداران رسمی، به نظر بنده تماماً پیامدهای سه موضوعی است که در ادامه به‌طور خلاصه به آنها پرداخته خواهد شد. چرا که به نظر بنده عدم توجه ویژه به این مقوله‌ها سرنوشتی را برای جامعه‌ی حسابداران رسمی در پی خواهد داشت که به هیچ‌وجه در خور این تشکل حرفه‌ای نیست بلکه ظلمی تاریخی در حق آن است. لذا اکنون با اتکا به حافظه‌ی تاریخی حاصل از عمر یک دهه‌ای جامعه‌ی حسابداران رسمی، از همه دلسوزان مستقل حرفه انتظار است با حساسیت بیشتری به کارزار بیایند.

این مطلب در صدد ترغیب شما به اندیشه پیرامون سوالات زیر است:

• هویت جامعه‌ی حسابداران رسمی و اعضای آن چیست؛ آیا اجتماع و متولیان اداره‌ی امور کشور هویتی منطبق با هویت مزبور برای این تشکل حرفه‌ای قائل هستند؟

• عضویت در جامعه‌ی حسابداران رسمی و کسب هویت آن، پاسخ‌گوی چه سطحی از نیازهای زندگی و شخصیتی است؟

• آیا ویژگی‌ها و وجوه تمایز جامعه‌ی حسابداران رسمی و اعضای آن از سایر فعالان و دست‌اندرکاران امور مالی، کارشناسی، نظارتی، ممیزی، بازرسی و دیگر فعالیت‌های دارای تشابه اسمی و کارکردی با این تشکل حرفه‌ای، مشخص، تبیین و تبلیغ شده است؟

• کنش اجتماعی در بین اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی در چه سطح و عمقی است؟

• میزان حس اعتماد بین اعضای



جامعه‌ی حسابداران رسمی، به عنوان اصلی‌ترین عنصر ایجاد و تقویت

سرمایه‌ی اجتماعی، چه میزان است؟

• تلاش در ترویج نگاه خودی و غیر خودی بین اعضای شاغل در بخش خصوصی و شاغل در بخش دولتی و همسویی با این نگاه، چه تاثیری بر سرمایه‌ی اجتماعی لازم جهت تحقق اهداف جامعه‌ی حسابداران رسمی خواهد داشت؟

۱- اصطلاح هویت، به معنای مجموعه‌ای از اوصاف پایدار است که به اعتبار آن یک شخص از دیگر اشخاص متمایز می‌شود. این کلمه، اصطلاح جدیدی نیست چرا که با الفاظ دیگری چون «منش» و «شخصیت» هم بیان می‌شود. ولی آنچه منجر به رواج این اصطلاح شده، بروز پدیده‌ای به نام «بحران هویت» است. طبق گفته‌ی صاحب‌نظران، هنگامی که فرد در تعامل با دیگران و پدیده‌های اطراف خود و

در پاسخ به نیازهای زندگی دریا بد نیاز به انجام رفتارهایی دارد که این رفتارها در دایره‌ی تعریف قبلی او از هویت نمی‌گنجد، دچار مشکلی می‌شود که به آن «بحران هویت» اطلاق می‌شود. این بحران همیشه زمانی اتفاق می‌افتد که افراد امکان مقایسه هویت خود با هویت دیگر را داشته باشند. اگر فرد هویت دیگری را پاسخگوی نیازهای خود ببیند آگاهانه یا ناخودآگاه به سمت آن گرایش پیدا می‌کند.

۲- بحث دیگر بحث کاستی «سرمایه‌ی اجتماعی» در جامعه‌ی حسابداران رسمی است. سرمایه‌ی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رشد و توسعه‌ی هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در برگرفته‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه‌ی هدفمند است که آن‌ها را در جهت دستیابی به هدف‌های ارزشمند برای گروه هدایت می‌کند. این اعتقاد وجود دارد که میزان سرمایه‌ی اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده‌ی میزان اعتماد اعضا به یکدیگر است. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه‌ی اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود به‌طوری که در مواقع بحرانی می‌شود از آن سرمایه، برای حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود برد. اگر اعضای یک جامعه به صورت مداوم یکدیگر را ملاقات کنند، احساس مسئولیت نسبت به گروه در بین آن‌ها پیدا می‌شود و می‌توانند به هم اعتماد کرده در نهایت با هم همیاری و همکاری کنند. در مقابل اگر در جامعه‌ای میزان سرمایه‌ی اجتماعی پایین باشد، خطر افتادن در «تله‌ی اجتماعی» آن‌را تهدید می‌کند. تله‌ی اجتماعی یعنی سرمایه‌ی اجتماعی پایین، نبودن حس اعتماد و اطمینان بین اعضای

جامعه به یکدیگر، رواج فساد اداری اقتصادی، ترس... یعنی رسیدن عضو به این باور که سایر اعضای جامعه، نسبت به مشارکت جهت نیل به منافع جمعی بی تفاوت هستند و لذا دیگر معنایی ندارد که او به تنهایی احساس مسئولیت و همکاری کند. این همان احساسی است که می‌تواند منجر به بحران هویت اجتماعی برای شخص شود.

۳- اما بحث «کنش اجتماعی». به عقیده دورکیم، کنش اجتماعی تفکر و احساسی است که ناشی از اجبار و الزامی خارج از فرد بوده و خود را بر وی تحمیل می‌کند. ماکس وبر، آنرا کنشی تعریف می‌کند که در نتیجهی تأثیرپذیری رفتار یک فرد از رفتار فرد دیگر در جامعه حاصل می‌شود. هر تعریفی که برای کنش اجتماعی مد نظر قرار گیرد، در بردارندهی این مفهوم است که کنش اجتماعی ممکن است حضور فعال در موقعیتی خاص یا اعراض عمدی از آن موقعیت و یا پذیرش منفعلانهی آن باشد. برای روشن‌تر شدن مطلب به این سناریو در زمینهی ایجاد تشکل‌های با دوام و قدرتمند توجه فرمایید. تا قبل از تشکیل یک تشکل، هریک از اعضا به‌طور مستقل از دیگران عمل می‌کرد و به دنبال تأمین حداکثر منافع شخصی خود بود. با گذشت زمان، هریک از اعضا (مثلاً عضو A) بر پایه‌ی اعتماد متقابل که عمدتاً ناشی از پیوندهای اجتماعی قبلی آنها بوده به برقراری ارتباط با دیگر اعضای مورد اعتماد خود می‌پردازد. اگر اعتماد متقابل بین این افراد، نخست به دلیل تعلقات اجتماعی مشترک، دوم به دلیل هنجارهای مشترک و سوم اهداف مشترک (نه اهداف مستقل و پراکنده) به وجود آید، موجب گسترش کنش متقابل به دیگر اعضا می‌گردد. در این شرایط تشکل فرضی «الف» به وجود می‌آید که رفتار آن قاعده‌مند و قابل

پیش‌بینی و نیز قابل نظارت توسط سایرین است، زیرا ویژگی‌های رفتاری اعضای آن معرف هنجارهایی است که تشکل بر پایه‌ی آن استوار است. حالا اگر عضوی از این تشکل (مثلاً همان عضو A) به واسطه‌ی پیوندهای اجتماعی دیگری با تعداد دیگری از اعضای اجتماع بر پایه‌ی اعتماد متقابل و هنجارهای مشترک مستقل از هنجارهای تشکل «الف»، تشکل «ب» را به وجود آورد تشکل‌های متداخل «الف و ب» به واسطه‌ی وجود یک عضو مشترک ایجاد می‌شود. گسترش کنش‌های عضو A به اعضای هر دو تشکل و برقراری ارتباط مثبت در بین آنها موجب ایجاد تشکل وسیع‌تر و کارآمدتر «ج» می‌گردد. البته در کنار این تشکل، احتمال وجود تشکل دیگری با اهداف و تعلقات خاطر دیگری همواره وجود دارد که ممکن است یا هم راستا با تشکل «ج» یا در تخاصم با آن فعالیت نماید.

۴- آنچه در این جا اهمیت دارد



توجه به این نکته است که بقا و تداوم جوامع و گروه‌های انسانی وابسته به کنش‌ها و روابط اعضای آنهاست. سطح و عمق کنش‌ها در یک گروه نشان‌دهنده‌ی پیوستگی، انسجام، همدلی و تعلق میان اعضا است. صاحب‌نظران معتقدند آنچه سطح کنش را شکل می‌دهد نیاز انسان است. هرچه نیازهای افراد بیش‌تر و پرمه‌تر باشد، سطح کنش‌های آنها گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود و عمق این کنش‌ها نیز بستگی به اعتماد افراد نسبت به یکدیگر دارد. اعتماد یعنی وجود این باور در فرد که دیگران، یعنی دیگر اعضای تشکل، در بدترین شرایط، آگاهانه و عامدانه آسیبی به او نمی‌رسانند و در بهترین شرایط به نفع او عمل می‌کنند.

حرف‌هایی برای گفتن

این بار به‌سان جلسات دیگر، عباس هشی، حرف‌هایی برای گفتن دارد. او سخنان خود را در ۷ موضوع دسته‌بندی می‌کند و به ترتیب در فواصل بین سخنان حاجیان، شمس احمدی و خستویی ارائه می‌دهد. از سوابق انتخاب حسابدار رسمی تا مصوبه‌ی معافیت مادام‌العمر مدیران اجرایی از آزمون جامعه‌ی حسابداران رسمی.

وی با بررسی ماده واحده‌ی مصوب بهمن ۱۳۷۲ آغاز کرد و با عنوان «سوابق انتخاب حسابدار رسمی»، سخنان خود را آغاز کرد: طبق ماده واحده‌ی مصوب بهمن ۱۳۷۲ انتخاب حسابداران رسمی در چارچوب آیین‌نامه تبصره ۱ قانون از طریق هیئت ۷ نفره تشخیص صلاحیت، که توسط وزیر محترم انتخاب می‌شدند، انجام شد.

دارا بودن مدرک تحصیلی مرتبط، سابقه‌ی کار حسابرسی و گذراندن آزمون از جمله شرط‌های پذیرش بود. طبق رویه‌ی همه‌ی جوامع حرفه‌ای،

حسابرسان واجد شرایط در مرحله‌ی اول بدون امتحان عضو می‌شوند. وی با اشاره به تبصره بند "و" ماده ۳ آیین‌نامه ادامه داد: مدیران سازمان حسابرسی و حسابرسان بخشی خصوصی را که در رده‌ی شخص حقیقی به منظور انجام حسابرسی شناخته شده بودند، در مقطع زمانی سال ۱۳۷۴، معاف از امتحان تشخیص دادند. در تبصره ۳ بند ز همین ماده مدیران دولتی که دارای سابقه‌ی اجرایی، ذی‌حسابی، دیوان محاسبات، مدیران مالی، طراحی سیستم، تدریس در دانشگاه (۱۰ سال سابقه کار در مقطع ۱۳۷۴) بودند را ضمن داشتن حداقل ۳ سال سابقه‌ی کار حسابرسی، معاف از امتحان تشخیص داده شدند. باید پذیرفت حذف آزمون برای هر دو گروه اولین تبعیض مسئولین وزارت در تدوین آیین‌نامه بود.

هشی با بیان این‌که عضوگیری به شرح فوق از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به طول انجامید که طی آن حدود ۷۸۱ نفر از مدیران سازمان و حسابرسان بخش خصوصی و حدود ۱۹۰ نفر از مدیران دولتی انتخاب شدند، به مشکل این رویه اشاره و یادآور شد: در اساسنامه نوع حسابرس را به تفکیک حسابرسی صورت‌های مالی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی شرکتهای دولتی مشخص نکرده بودند تا این اعضا بتوانند حسب سابقه‌ی کار در هر قسمت مناسب، خدماتی را ارائه دهند.

به گفته‌ی این عضو شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی، عدم شناسایی جداگانه‌ی حسابرسی صورت‌های مالی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی دولتی، مهم‌ترین نقاط ضعف این آیین‌نامه بود. وی افزود: شاید قانون اجازه نمی‌داد. در این بین فهرست سرپرستان ارشد سازمان حسابرسی با این ادعا که دارای ویژگی‌های جانشین مدیر هستند اما چون پست



در تمام دنیا امتحانات بعد از اخذ مدرک تحصیلی و به هنگام آماده بودن فارغ‌التحصیل برگزار می‌شود سپس برای قبول شدگان سابقه‌ی کار ایجاد می‌شود. اما در ایران اول دنبال سابقه‌ی کار هستند بعد امتحان که شرایط نامناسبی برای فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری است.

کل پذیرفته‌شدگان از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ صرفاً ۸۰۵ نفرند. برای آزمون امسال هم ۱۹۳۱ نفر کارت گرفتند، صبح حدود ۹۰۰ نفر سر امتحان بودند اما بعد از ظهر حدود ۷۰۰ نفر بودند. چرا دهها نفر اعتراض خود را نسبت به وقت کم و غیره گفتند؛ اما شکایت نزد که برند؟ "فشار مضاعف به هیئت ۷ نفره طی سالهای ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸" چهارمین محور سخنان هشی در نشست آذرماه بود.

وی با اشاره به این‌که تعیین اعضای ۷ نفره هیئت در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی است، تصریح کرد: مدیران دولتی دهها شکایت کردند بعضی نیز با رأی دیوان عدالت حکم پذیرش گرفتند. بیشترین فشار بر هیئت هفت نفره از جانب دیوان محاسبات و قسمت ذی‌حسابی وزارت بوده است. می‌گویند طی سال‌های ۸۱ تا ۸۸ حداکثر ۱۹ نفر این‌گونه پذیرفته شدند که از هیئت تشکر می‌شود. اما اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی طبق قانون وظیفه‌ی ارائه‌ی خدمات و گزارش حسابرسی صورت‌های مالی، شرکت‌های مشمول بند الف و ب ماده ۷ اساسنامه سازمان را عهده دار بوده‌اند ضمن این‌که طبق تبصره‌ی ۵ ماده واحده امکان انتخاب شدن به‌عنوان حسابرس شرکت‌های دولتی هم در کنار سازمان حسابرسی برای آن‌ها فراهم بود. وی در پایان این مبحث سخنرانی خود گفت: به‌رغم وجود قانون ماده واحده سال ۱۳۷۲ انحصار حسابرسی

خالی ندارند، به‌عنوان لیست معاف از امتحان قرار گرفت.

"سابقه آزمون از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۸ محدودیت‌ها، موانع، انحصار توسط هیئت هفت نفره" محور سوم سخنان عباس هشی بود. وی با اشاره به برگزاری آزمون در سال ۱۳۸۱ گفت: طی ۵ سال اول همه ساله بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر شرکت می‌کردند، در سالهای ۸۵ الی ۸۸ حدود ۱۹۰۰-۱۶۰۰ نفر کارت می‌گرفتند اما به‌دلیل وضعیت خاص امتحانات، این آزمون هفت خوان رستم شد.

وی عدم تطبیق با شرایط ویژه‌ی سؤال‌دهی در سطح کارشناسی ارشد، نداشتن سابقه‌ی آموزشی برخی از اعضای هیئت، نامناسب بودن وقت برای سؤالات را دلیل این تشبیه برشمرد و گفت: هر ساله حدود ۱۰ درصد تا ۲۰ درصد داوطلبین قبول شدند. به‌مرور تعداد سال سابقه را برای امتحان کاهش دادند.

دولتی توسعه یافته است که در نتیجه‌ی آن محدودیت بر کار اعضای جامعه ایجاد می‌گردد.

"عملکرد وزارت و سازمان حسابرسی همسو با قانون ماده واحده" محور دیگر سخرانی هشی بود. وی با اشاره به قانون برنامه چهارم و تاکید بر کاهش تصدی‌گری، یادآور شد: سیاست‌های اصل ۴۴ برای خصوصی‌سازی و ایجاد زمینه‌ی کسب‌وکار برای فعالیت بخش خصوصی نبوده است. طبق ماده‌ی واحده، حسابرسی شرکت‌های بند الف و ب ماده ۷ اساسنامه سازمان هم بر عهده‌ی اعضای جامعه بود. در اجرای این سیاست بود که سازمان در سال ۱۳۸۳ اعلام کردند کادر و تعداد کار آنها کاهش یافته است.

اما سال ۱۳۸۹ صحبت از افزایش کارکنان و توسعه حسابرسی است. اجرای تبصره‌ی ۵ ماده واحده همان سال ۱۳۸۲ با یک بخشنامه‌ی وزیر محترم متوقف شد؟ حتی در شرایط سیاست‌های اصل ۴۴ که هیئت محترم دولت اجرای آن را طی مصوبه انتخاب حسابرسان اصلاح ابلاغ نمود (بهمین ۱۳۸۶) باز هم در وزارت این مصوبه تاکنون اجرا نشده و می‌گویند سال ۹۰ اجرا می‌شود؟ توجه شود که از ۱۷۸۰ حسابدار رسمی صرفاً حدود ۷۰۰ نفر حسابدار رسمی شاغل شریک با شاغل افرادی در استخدام هستند بقیه عمدتاً به کار حسابرسی اشتغال ندارند بعضاً در مقام قیمت‌گذاری سهام مشاور و غیره همان کار موضوع اساسنامه حسابرسی را اما به‌جز حسابرسی صورت‌های مالی انجام می‌دهد.

هشی در ادامه‌ی سخرانی به مصوبه‌ی اخیر هیات دولت در خصوص معافیت مادام‌العمر مدیران اجرایی از آزمون و نگرانی اعضا از تبعیض ایجادشده سخن گفت. مصوبه‌ای که مغایر با سیاست‌های

دولت مبنی بر اشتغال برای نیروی جوان است.

وی افزود: اما مصوبه‌ی اخیر که همه‌ی اعضا را نگران کرده است، به پیشنهاد معاونت وزارت مصوبه‌ای برای حذف تاریخ ۱۳۷۴ از تبصره‌ی قبلی به‌طوری‌که ذی‌حسابان بدون آزمون، با داشتن سایر شرایط، حسابدار رسمی شوند تهیه و در وزارت شکل گرفته و برای هیئت محترم دولت ارسال شده کادر دیوان محاسبات هم همین رویه را داشته‌اند. هر دو پیشنهاد در هیئت محترم دولت با حضور معاون محترم اول (رییس اسبق دیوان محاسبات که از کم و کیف شکایات قبل خبر داشتند)، مطرح شده تصویب گردید. مصوبه به‌صورت عام است و مدیران اجرایی از آزمون انتخابات معاف هستند.

وی توجه حضار را به این موضوع جلب کرد که در تمام دنیا سابقه‌ی حسابرسی صورتهای مالی در حد مدیر بین ۶ تا ۸ سال است تا مجوز برای



امضای گزارش حسابرسی صادر شود. در حالی که در قانون و آیین‌نامه‌ی فعلی فقط ۶ سال حسابرسی (بدون تعریف مشخص) داریم در پیش‌نویس جدید اساسنامه پیش‌بینی شده که حسابداران رسمی که امتحان را می‌گذرانند باید دارای سه سال سابقه‌ی کار در سطح مدیر حسابرسی باشند. البته کار سخت را هیئت ۷ نفره‌ی تشخیص دارد که سابقه‌ی کار حسابرسی آنها را تأیید کند که اختیار انتخاب اعضای هیئت هم با وزارت محترم است. شاید فردای روزی ۲۰ هزار حسابدار رسمی داشته باشیم، با این سیاست‌های انحصار و توسعه‌ی حسابرسی دولتی کدام کار حسابرسی باقی می‌ماند که قابل انجام باشد؟

وی با طرح این سوالات ادامه داد: سوالاتی نظیر چند نفر از این افراد جدید واقعاً کار حسابرسی را شروع می‌کنند؟ آیا مقامات محترم که این مصوبه‌ی دائم‌العمر را تصویب کرده‌اند حاضرند حسابرسی صورتهای مالی شرکت ملی نفت ایران، راه‌آهن و... را به این افرادی که از نظر داشتن سوابق کار حسابداری دولتی و ممیزی در سطح بالا هستند، اما سوابق کار حسابرسی صورتهای مالی ندارند، بدهند؟ ضرورت ایجاد رشته‌ی حسابرسی صورتهای مالی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی دولتی به منظور بهره‌مندی صحیح از سوابق کار این افراد هست.

آنچه ضروری است، تخصصی نمودن کار حسابدار رسمی است که به‌راحتی با یک مصوبه‌ی هیئت محترم وزیران قابل انجام است تا حسب سوابق کار این افراد با صلاحیت، کشور از خدمات حسابرسی آنها بهره‌مند شود. قطعاً دادن عنوان حسابدار رسمی به فرد و سپس نبودن زمینه‌ی کار متناسب با سابقه‌ی کار ایشان، راه‌گشای توسعه‌ی اشتغال نمی‌باشد، چرا مقامات محترم

نباید به دنبال تخصصی کردن حسابرسی "صورت‌های مالی"، "مالیاتی" و "دولتی" باشند؟

تبعیض بر اشتغال برای جوانان کشور دیگر محور سخنرانی کوتاه عباس هشی بود. وی بر این باور است که مصوبه‌ی مزبور یک نوع تبعیض آشکار بین آحاد مردم است.

جوانانی که دارای سابقه‌ی کار حسابرسی در سازمان حسابرسی و در مؤسسات حسابرسی خصوصی هستند (مطابق با مصوبه هیئت) و تمامی برنامه دولت محترم ایجاد اشتغال برای آنهاست باید آزمون بدهند، اما مدیران دولتی بدون امتحان حسابدار رسمی شدند. البته طبق معمول سنواتی باید در انتظار مصوبه‌ای باشیم که سازمان حسابرسی را هم با یک خط مصوبه یک دستگاه اجرایی اعلام کنند و این تبعیض برای کادر شاغل در سازمان رفع گردد. قابل ذکر است که این مصوبه‌ی تبعیض‌آمیز در راستای برنامه‌های دولت محترم در خصوص انتقال برای نیروی جوان کشور نیست.

هشی در پایان به موضع جامعه نسبت به این مصوبه اشاره و یادآور شد: اعتراض به این مصوبه وظیفه‌ی شورای عالی جامعه است که باید آن را برای دولت و مجلس شورای اسلامی ارسال دارند. تا ضمن تداوم قانون‌مندی قانون ماده واحده‌ی مصوب ۱۳۷۲، دولتمردان به فکر اصلاحات به شرح فوق باشند تا زمینه‌ی رانت تداوم نیابد، استفاده از خدمات حسابرس با تجربه‌ی کاری و مسلط به معنی واقعی پیدا کند و اشتغال برای نیروی جوان کشور تحقق یابد.

وقتی ما ضعیف هستیم

پس از این، هشی رفت و در میان حضار نشست و تربیون را به هوشنگ خستویی سپرد تادارکنار منصور شمس



باشد، می‌خواهد حتی در کوچک‌ترین امور جاری ما دخالت کند. ما ضعیف هستیم. ما مجموعه‌ای حرفه‌ای اما بی‌قدرت هستیم. یعنی در سطحی هستیم که به همین کشورها برسیم، حداقل به طور ناخواسته نیاز داریم به حامی قدرتمندی برای حسابداری که از ما و حرفه‌ی ما حمایت کند. حالا تازه باید فکر کنیم و به اول خط برگردیم. نمونه‌ی بارز ادعا و گفته من همین بخشنامه و آیین‌نامه‌ی هیات دولت است که همه در هیات دولت از مفاد آن و از بندهای آن مطلع بودند به جز ما که خود می‌باید ذی‌نفعان حرفه‌ای این حرفه حساس باشیم.»

روز دارد تمام می‌شود و جلسه با پرسش‌های بی‌پایان حسابداران پایان می‌یابد.

سه‌شنبه پنجم دی‌ماه

خودمانی می‌شویم. با صرف یک شیرینی و نوشیدن یک لیوان چای در یک‌روز زمستانی. خودمانی می‌شویم در یک عصر دی‌ماه وقتی از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب تهران گردهم می‌آییم و از همه‌ی رخدادهای، از همه‌ی اتفاقات بزرگی حرف می‌زنیم که طی سی روز گذشته، بر حرفه‌ی ما حادث شده است. خودمانی می‌شویم وقتی از همان جا که نشسته‌ایم، دست‌های مان را بلند می‌کنیم و پیامی اعتراض‌گونه، خطاب به اعضای شورا، بیان می‌کنیم. خودمانی می‌شویم وقتی میکروفون می‌گیریم و لطیفه‌ای را با حقیقتی تلخ از ناکامی‌های حرفه، به زبان می‌آوریم. خودمانی می‌شویم وقتی بلندبلند غر می‌زنیم، حرف می‌زنیم، گله می‌کنیم، پیشنهاد می‌دهیم،...

این‌جا جمع خودمانی‌هاست. خودمانی‌هایی که از شمال و جنوب، شرق و غرب تهران، گرد هم آمده‌اند تا آخرین ناگفته‌ها را بگویند و باز هم بشنوند.

احمدی و نیکوکار بنشینند و پاسخگو باشد. بشنود و بگوید و عقیده اش را در خصوص استراتژی ابراز کند.

هوشنگ خستویی سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: وقتی موضوع تدوین و آماده‌سازی استراتژی جامعه در شورا مطرح شد، اعتراض کردم که چرا کشورهای پیشرفته را ملاک سنجش برای نگارش و تدوین استراتژی قرار داده‌اید.

خستویی با بیان اینکه اما من حالا با نظر آقای حاجیان موافق نیستم، به بیان دیدگاه خود پرداخت و گفت: «من اتفاقاً بر این باورم که ما داریم به عقب برمیگردیم. حتی فضانورها هم آیین‌نامه دارند.

وی با طرح سوالی ادامه داد: سوال من این است که کدام حرفه را در دنیا می‌شناسید که سایرین در امور آنها دخالت کنند؟ ولی ما در ایران داریم. ما مجموعه‌ای حرفه‌ای هستیم که وزارت اقتصاد، سازمان بورس و هر نهاد دیگری که با امر حسابرسی در ارتباط

نشست خودمانی دی‌ماه، اما نشست دیگری بود. این را از چهره‌هایی که برای نخستین بار می‌دید، می‌فهمیدی. از صندلی‌هایی که پر می‌شدند و خالی می‌شدند: کسی که می‌رفت و با همکار دیگری، شریک دیگری، دوست قدیمی دیگری باز می‌گشت. کسی که سرانجام، از آن ردیف آخر، دستش را بلند کرد و حرفی هم زد: به نشانه‌ی بودن، به نشانه‌ی تمرینی برای جاری شدن روح دموکراسی.

متن کامل گزارش روز ۷ دی‌ماه را که با میزبانی محمدتقی رضایی برگزار شد با هم می‌خوانیم:

وقتی فرصت‌هایمان را می‌سوزانیم

محمد تقی رضایی، شریک و مدیرعامل موسسه حسابرسی دانشگر محاسب، مدیر جلسه نخستین سه‌شنبه‌ی دی‌ماه بود. وی جلسه را بر محور سه موضوع عنوان کرد: مصوبه‌ی اخیر هیات وزیران در خصوص معافیت شاغلین بخش‌های دولتی از امتحان حسابدار رسمی، فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه با تاکید بر آیین‌نامه‌ی افزایش ضمانت اجرایی و تقویت راهکارهای حسابرسی و دستاوردهای شورای عالی جامعه در سه‌ماهه‌ی گذشته.

رضایی سخنرانی خود را با تهدیدهای درونی و بیرونی جامعه آغاز و نقش کم‌رنگ ارکان جامعه در تغییر اساسنامه‌ی جامعه را بزرگترین تهدید جامعه ذکر کرد. وی بحث خود درباره‌ی تهدیدهای جامعه را با طرح این سوال از شورای عالی جامعه ادامه داد که آیا ارکان ذی‌صلاح محترم جامعه تاکنون بررسی کارشناسی نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه داشته‌اند؟

رضایی در بخش دیگری از سخنان خود به مصوبه‌ی اخیر هیات وزیران در خصوص معافیت شاغلان بخش‌های

دولتی از امتحان حسابدار رسمی به شرط داشتن سایر شرایط اشاره و اعلام داشتند واکنش‌هایی از سوی اعضای جامعه و شورای عالی جامعه نسبت به موضوع فوق صورت گرفته و بعضاً مطالبی از سوی برخی از اعضا در جراید نیز منتشر شده است.

نکات مشترک مندرج در این واکنش‌ها از دیدگاه ایشان، بی‌اطلاعی ارکان ذی‌صلاح جامعه نسبت به موضوع، تبعیض‌آمیز بودن مصوبه به دلیل قایل شدن امتیاز ویژه برای شاغلان در بخش دولتی تاثیر نامطلوب اجرای مصوبه بر اعتبار جهانی جامعه و خدمات اعتباربخشی عنوان شده است. وی پیشنهاد بررسی کارشناسی موضوع و اقدام جدی برای اصلاح ساختارهای درونی جامعه را نیز درباره‌ی موضوع فوق مورد توجه قرار داد.

رضایی سخنرانی خود را با بازگشت به فعالیت دو سال گذشته جامعه ادامه داد؛ آن‌گاه که در سال ۸۷ به پیشنهاد



وزارت امور اقتصادی و دارایی، آیین‌نامه‌ای مصوب شد که می‌توانست ابزاری برای ارتقای حرفه باشد. رضایی اما بر این باور است که ما فرصت‌سوزی کردیم و در شرایطی که می‌توانستیم از این فرصت بهره‌برداری کنیم، این کار را نکردیم.

وی با اشاره به ماده دو آیین‌نامه خاطرنشان کرد: در ماده دو آیین‌نامه‌ی ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی بهترین فرصت برای ما فراهم شده بود. این ماده فرصت مناسبی را برای جامعه‌ی حسابداران رسمی و اعضا فراهم کرد ضمن معرفی جامعه به خیل عظیم اشخاص مشمول آیین‌نامه، بازار خدمات حرفه‌ای را توسعه بخشند. همچنین ماده ۲ آیین‌نامه فرصت مناسبی برای اشخاص مشمول و حتی برای کسانی که کار را واگذار می‌کردند فراهم نمود تا ریسک خود را کاهش دهند. رضایی با بیان این‌که "توسعه‌ی خدمات بازار حسابرسی" همچنان از مهم‌ترین دغدغه‌های اعضای جامعه است، گفت: اعضای جامعه در جست‌وجوی کار هستند اما راهبردهای توسعه باید عملیاتی شود.

وی درحالی‌که همچنان به فرصت‌های بر باد رفته اشاره می‌کرد، گفت: متأسفانه ما بهترین فرصت‌ها برای هم‌فکری و هم‌گامی با دستگاه‌های نظارتی را از دست داده‌ایم. ما می‌توانستیم اشخاص مشمول این آیین‌نامه و انجمن‌ها و سندیکاهای صنفی آن‌ها را شناسایی و با آن‌ها تعامل کنیم. بسیاری از متخصصان حرفه‌هایی نظیر مهندسی به ضرورت کاربرد رشته‌هایی نظیر رشته‌ی ما پی برده و اهمیت آن را در بهبود فضای کسب‌وکار و شرایط رقابتی بازار درک کرده‌اند.

رضایی بر این باور است که تنها اقدامی که جامعه و اعضای آن باید

انجام می‌دادند طرح این سوال بود که چه‌گونه می‌توان این تعامل دوسویه را برقرار کرد؟

سپس خود به پاسخ این سوال پرداخت: ایجاد ارتباط بین انجمن‌ها یکی از کاربردی‌ترین راه‌ها بود. به عنوان مثال، ۳۰ انجمن استانی در زمینه‌ی امور ساختمانی و تاسیساتی فعالیت دارند و عمده‌ی شرکت‌های پیمانکاری عضو این انجمن‌ها هستند. این انجمن‌های استانی یک کانون سراسری با عنوان کانون سراسری شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی را به ثبت رسانده‌اند و ارتباط با این کانون راهکار مناسبی برای معرفی جامعه و استفاده مناسب از فرصت پیش‌آمده بود.

رضایی برای تشریح بازتاب‌های مثبت طرح سوال و توجه به پاسخ آن، به تجربه‌ی شخصی خود اشاره کرد و با یادآوری نشست مشترکی که با شورای ادواری انجمن‌های فوق در استان لرستان داشته است، به تشریح نتایج این نشست پرداخت و گفت: اتفاقاً برخی از اعضای انجمن شرکت‌های ساختمانی و تاسیساتی استقبال خوبی از این مصوبه کردند.

ما می‌توانستیم با این گروه بهترین رایزنی‌ها را برقرار کنیم. این کانون و انجمن‌های مربوط سایت دارند. بولتن دارند. من فکر می‌کنم فرصت مناسبی را از دست داده‌ایم. بنگاه اقتصادی و اشخاص را باید شناخت و در راستای اهداف بلندمدت جمعی حرکت کرد.

رضایی برگزاری سمینارهای مشترک را از جمله دیگر راهکارهای تعامل عنوان کرد و گفت: تجربه‌ی من در مذاکره با معاونت خزانه‌داری اداره‌ی امور اقتصادی و دارایی استان یزد نشان داد که نشست‌های مشترک جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با معاونت‌های



خزانه‌داری ادارات کل امور اقتصادی و دارایی، می‌تواند ضمن معرفی جامعه، شرایط مناسب برای توسعه‌ی خدمات حرفه‌ای را فراهم نماید.

وی تاکید کرد که همین فرصت‌ها می‌توانند منجر به تهدید هم بشود. بسیاری از اشخاص مشمول این آیین‌نامه، فاقد دفاتر و اسناد و مدارک قابل‌اتکا هستند و انجام کار با رعایت کامل استانداردها منجر به صدور گزارش‌های مردود یا عدم اظهارنظر می‌شود که قطعاً مطلوب واحدهای مورد رسیدگی نخواهد بود. به همین دلیل است که عدم نظارت کافی از سوی جامعه می‌تواند به ترویج سوداگری در بازار خدمات حرفه‌ای منجر شود.

رضایی سپس پیشنهاد دیگری ارائه کرد و گفت: پیشنهاد من این است که سازوکاری را تعریف کنیم که این نظارت‌ها متناسب با شرایط شرکت‌های مشمول آیین‌نامه باشد. این

که مبانی نظارتی تعریف شده برای شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس را بخواهیم در مورد این شرکت‌ها اعمال کنیم، نتایج مطلوبی به بار نخواهد آورد.

"ماده ۳ آیین‌نامه"، دیگر ماده‌ای بود که ضرورت توجه به آن، مورد تاکید رضایی قرار گرفت: مامی‌توانیم با استانداردی و معاونت‌های مرتبط نشست مشترک داشته باشیم. هزینه هم ندارد. ما می‌توانیم نشست‌های ماهانه و سالانه‌ی مشترک داشته باشیم. این اقدام موجب توسعه‌ی حیطه‌ی فعالیت ما و نیز گسترش اطلاع‌رسانی سایر نهادها از حرفه‌ی حسابرسی خواهد شد.

رضایی ماده‌ی ۴ را نیز از یاد نبرد. وی گفت: بر اساس این ماده شرکت‌های تازه تاسیس باید برنامه‌ی سه سال آتی کسب‌وکار خود را که به اطلاع حسابرس رسمی شرکت رسیده است ارائه نمایند. این به‌هرحال فرصت مناسب برای حسابرسان است که ارائه‌ی خدمات غیر از حسابرس مستقل را نیز تجربه کنند. اما این یک تهدید هم برای ما محسوب می‌شود.

وی خود در ادامه اشاره کرد: ما باید به تهیه و تدوین چارچوب مناسب برای انجام این بررسی بپردازیم و ارتباط و تعامل سازنده با ادارات ثبت شرکت‌ها برقرار کنیم.

رضایی در ادامه‌ی سخنان خود به فرصت‌های پیش روی جامعه در زمینه‌ی ماده ۶ آیین‌نامه‌ی اجرایی پرداخت و اطلاع‌رسانی از طریق جراید، خانه‌های صنعت و معدن، انجمن‌های صنفی، انجمن مدیران صنایع،... را از جمله راهکارهای مناسب برای معرفی جامعه و سامان‌بخشی به خدمات حرفه‌ای اعلام کرد. او در ادامه متنی را نیز که از سوی جامعه می‌توانست جهت اطلاع واحدهای اقتصادی در جراید

منتشر شود ارائه کرد.

در ادامه‌ی این نشست در حرکتی جدید رییس جدید شورای عالی جامعه در مقام پاسخگویی به انتظارات اعضا و ارائه‌ی گزارش عملکرد شورا و دستاوردهای سه ماهه فعالیت شورا با تاکید بر اقدامات شورای عالی در خصوص مصوبه‌ی اخیر هیات وزیران برآمد و گزارش مسووطی از عملکرد شورا ارائه کرد که مورد تقدیر و تشکر اعضا قرار گرفت.

باید از محاق خارج شویم

مصطفی جهانبانی، رییس شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی، عضو همیشه حاضر نشست‌های سه‌شنبه‌هاست. عضو همیشه حاضری که می‌شنود و پاسخ‌ها را یکی پس از دیگری می‌دهد. به گفته‌ی محمدتقی رضایی، جهانبانی در نشست نخستین ماه زمستانی، گزارشی از عملکرد ۴ ماهه ارائه خواهد داد.

مصطفی جهانبانی، دستی به پیشانی می‌کشد و لبخندزنان می‌گوید: آماده‌ام که گزارشی مختصر از عملکرد اعضای شورای عالی جامعه ارائه دهم. وی گفت: قرار بود مطابق گفته‌های آقای رضایی گزارش عملکرد شورا طی ۴ ماه گذشته را در دستور کارمان قرار دهیم. حالا اینجا ایستاده‌ام تا گزارشی اجمالی از همه‌ی آنچه در این مدت کوتاه انجام گرفته است، به سمع و نظر شما عزیزان برسانم.

وی با بیان اینکه از ابتدای شهریورماه تا پایان آذرماه در نشست‌های جامعه مباحث بسیاری مطرح شده است، گفت: در شورا، نظرات مختلفی مطرح بوده و مزیت و خوبی تعدد آرا نیز همین است که با حضور دیدگاه‌های متفاوت می‌توان نظرات مختلف و سازنده‌ای را ارائه کرد.

از نظر جهانبانی پاسخ‌گوبودن، از

بهترین ویژگی‌های شورای عالی چهارم است: همه‌ی اعضای شورا، خود را ملزم به پاسخ‌گویی می‌دانند.

وی با اشاره به این‌که طی ۴ ماه گذشته ۱۱ جلسه برگزار شده، گفت: اگر صورتجلسات را به‌دقت مورد بررسی قرار دهید درخواهید یافت که همه‌ی اعضای شورا، درگیر موضوعات مختلف مطرح شده در جلسات شورا هستند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا شورای جدید، استراتژی جدیدی برای کارهای خود دارد، گفت: بله. استراتژی تصمیم‌گیری در شورای جدید این است که کاری که در دستور شورا قرار می‌گیرد با کارشناسی و دقت بسیار مورد مطالعه و تصمیم‌گیری قرار گیرد.

جهانبانی دوره‌ی کاری شورای چهارم را نقطه‌عطف جامعه خواند و گفت: دوره‌ی فعالیت شورای چهارم به نظر من نقطه‌عطف تاریخی جامعه‌ی ماست. بستر کار در حال فراهم شدن است. ما وارد بحث‌های مختلف



شده‌ایم. بعد از تصویب استراتژی با پیشنهاد آقای نیکوکار تقسیم کار بین اعضای شورا در جهت اطمینان از تحقق خط‌مشی و استراتژی صورت گرفت. با انتخاب هیات مدیره که علاوه بر حضور نسل جوان در آن از اعضای غیرموظف نیز بهره می‌برد، تایید صلاحیت اعضای کارگروه‌ها، در پی فراخوان و شناسایی اعضا در یک جلسه‌ی مفصل صورت گرفت. جامعه در شرایط ادامه‌ی فعالیت جدی خود منطبق با استراتژی و شرایط جدید قرار گرفت با توجه به تقسیم کار بین اعضای شورا، ارتباط منطقی و هدفمند اعضای شورا با هیات مدیره، کارگروه‌ها و پیگیری روند اجرایی امور فراهم شده است.

به گفته‌ی جهانبانی، "ساختار سازمانی جامعه" دیگر دغدغه‌ی اعضای جامعه بود: این‌که ساختاری هدفمند داشته باشیم تا همه‌ی اعضا به آن معتقد و پای‌بند باشند.

وی با بیان این‌که به طور مشخص دغدغه‌ی اصلی، با توجه به داشتن پشتوانه‌ای چون شما، مهم‌تر و حساس‌تر دانستن وظایف و مسئولیت شورا است، تاکید کرد: معتقدیم که همه‌ی اعضای جامعه‌ی حسابداران باید درگیر مسایل و امور جامعه شوند. همه باید باهم برای اعتلای حرفه‌ی خودمان تلاش کنیم.

رییس شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی پس از ارائه‌ی این گزارش اجمالی، برای پاسخ‌گویی به سوالات اعلام آمادگی کرد. نخستین سوال این بود که چرا هنوز جامعه ما را نباید به طور کامل بشناسد؟

چرا حتی خواص و رشته‌های مرتبط با حسابرسی ما را نمی‌شناسند؟ چرا مجلس طی اعتراضی بیان می‌کند که جامعه‌ی حسابداران ضرر و زیان وارد کرده است؟ یا این‌که وزیر اقتصاد حتی تا آن‌جا پیش می‌رود که ما اعضای

جامعه را به شهروند درجه یک و دو تقسیم و تفکیک می‌کند.

جهانبانی نیز در واکنش به این سوالات تصریح کرد: پاسخ بخشی از سوالات شما باید از اعضای پیشین دریافت شود. من می‌پذیرم که ما قوی عمل نکرده‌ایم. ما برای برگزاری جلسه با وزیر اقتصاد بارها هماهنگ کرده‌ایم لکن منتج به نتیجه نشده، ما تلاش خودمان را کرده‌ایم. خودتان بهتر از من و سایر اعضای شورا می‌توانید رفتار و پاسخ تقاضاها را تحلیل کنید. من هم بر این باور هستم که باید از محاق خارج شویم.

وی سخنان خود را با این جملات به پایان برد: اجازه بدهید سه ماه بعد ببایم و در این باره صحبت کنم.

اعضای شورا تمام مطالب را عیناً به اطلاع دیگر اعضا برسانند

عباس هشی، دیگر عضو همیشه حاضر در جلسات سه‌شنبه این بار بدون آنکه پشت تریبون قرار گیرد از رییس شورای عالی خواست که اعضای شورا باید تمام مطالب را عیناً به اطلاع دیگر اعضا برسانند.

وی در ادامه با بیان اعتراض اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی به مصوبه‌ی هیئت وزیران اعلام داشت که طبق سوابق امر پیشنهاد اولیه‌ی این مصوبه (ذی‌حسابان می‌توانند بدون آزمون اما با داشتن سایر شرایط حسابدار رسمی شوند) را معاونت وزارت امور اقتصادی و دارایی تنظیم، و سپس در هیئت دولت با حضور معاون اول (رییس اسبق دیوان محاسبات که قبلاً مکاتباتی را برای پذیرش برخی از مدیران دیوان برای پذیرش عنوان حسابدار رسمی ارسال کرده بودند) این مصوبه اصلاح شد؛ به طوری که به صورتی تمام مدیران اجرایی مالی،... از آزمون معاف هستند



شکل‌گیرد تا مشکل مدیران دولتی هم حل شود. توجه بفرمایید که این مصوبه یک تبعیض تحمیلی بر شاغلان در بخش خصوصی است. کارکنان شاغل در سازمان حسابرسی با یک خط تفسیر (که سازمان حسابرسی در حکم دستگاه اجرایی است) به راحتی می‌توانند مشمول این مصوبه می‌شوند.

در ادامه، یکی دیگر از اعضای جامعه‌ی حسابداران در خصوص انتظارات و خواسته‌های اعضای جامعه سخن گفت. وی گفت: انتظارات همه‌ی ما روشن است و واضح. انتظارمان این است که خواسته‌های ما مورد توجه قرار بگیرد. آنچه را که اعضای جامعه خواهان آن هستند باید جنبه‌ی عملیاتی داشته باشد. اینکه شما به ارائه‌ی عملکرد می‌پردازید تنها اقداماتی است که در این مدت انجام داده‌اید.

این عضو سپس به اقدامات پیشگیرانه اشاره کرد و گفت: به نظر من بد نیست که ما به اقدامات واکنشی هم در مواجهه با رخدادهای متعدد اطرافمان اصلاً بلند شویم به مجلس برویم. ما باید از کیان حرفه‌ی خود دفاع کنیم. نباید بدون عکس‌العمل ماند. یا آن‌که لااقل

سمیناری در این زمینه برگزار نماییم. عباس هشی نیز در واکنش به این پیشنهاد و با اشاره به پیشینه‌ی سمینارها گفت: پیشنهاد بهتر این است که نامه‌ای به وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی بنویسیم. همه اعضا که با مفاد نامه موافق هستند، نامه را امضا کنند. این نامه نیز در اختیار شورای عالی قرار گیرد. تا ارسال شود.

این‌گونه، نشست دی‌ماه نیز به پایان رسید و فرصتی فراهم شد برای اندیشیدن به راهکارهایی در برابر آنچه این روزها جامعه را بیش از هر زمان دیگر در برابر پرسش‌هایی تازه قرار داده است.

و بدین ترتیب مصوبه نهایی شد. هشی گفت: اعضای شورای عالی مسئولیت‌هایی دارند و بر این اساس، نامه‌ای تنظیم شد و برای وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی ارسال شد تا اجرای این مصوبه متوقف تا راه‌کار منطقی و اصولی ایجاد شود.

وی گفت سوابق امر از این قرار است که طی ۸ سال آزمون حسابدار رسمی، ۸۰۷ نفر پذیرفته شده‌اند، ضمن این‌که عده‌ای از مدیران دولتی هم شکایت نزد دیوان عدالت برده‌اند و حدود ۱۰ نفر آنها با رأی دیوان حکم به عضویت در جامعه را گرفته‌اند. وی گفت: اعضای محترم توجه بفرمایید که ورود هزاران مدیر دولتی به تعدادی بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر به جامعه یک امتیاز است. زیرا اگر تعداد اعضای جامعه فردا ۲۰,۰۰۰ نفر شود، حرف جامعه قطعاً از جامعه‌ی ۱۸۰۰ نفره‌ی امروزی موثرتر است.

راه‌کار اصلی تخصصی شدن حسابرسی "مالی"، حسابرسی "مالیاتی"، حسابرسی "دولتی" است که باید